روزنه

روایت آخرین گفت‌وگو با دکتر یزدی

زینب اسماعیلی

● اقتضای روزنامه‌نگاری است که با برخی اشخاص معروف نشست‌وبرخاست داشته باشی؛ برخی در روزگار حاضر نقشی در قدرت و سیاست و اقتصاد دارند و برخی در دهه‌های پیش چنین نقشی داشتند. دکتر ابراهیم یزدی برای ما روزنامه‌نگاران چنین بود. اگرچه به‌واسطه کار در حوزه دیپلماسی موضوعات پرتعدادی پیش می‌آمد که ذهن ما به سراغ وزیر خارجه دولت موقت می‌رفت، اما شرایط، موجب شد که من دوبار تجربه گفت‌وگو با او را داشته باشم. هر دوبار به بهانه مرگ دو دیپلمات آمریکایی که به دلیل سمت یزدی در دوره تسخیر سفارت آمریکا در تهران، او می‌توانست روایت‌های دست‌اولی از آنها بدهد. اولی هنگام مرگ ویلیام سالیوان، آخرین سفیر آمریکا در تهران و دومی به بهانه مرگ برژینسکی، مذاکره‌کننده آمریکایی و مشاور کارتر که در زمان تسخیر سفارت بر سر کار بود. نکته جالب از هر دو مصاحبه برایم این بود که در مورد هر دو فرد آمریکایی، رویکردی کاملا بی‌طرفانه داشت و از نفرت‌های آن زمان اثری در دیدگاهش نبود. شاید بهتر است ابتدا از مصاحبه دومم بگویم؛ مصاحبه‌ای که به نظر می‌رسد آخرین گفت‌وگوی منتشرشده با دکتر ابراهیم یزدی است.

خردادماه بود که خبر مرگ زیبینو برژینسکی منتشر شد. می‌دانستیم که حال دکتر یزدی چندان مساعد نیست، اما او تنها فرد در قید حیات از مذاکره با برژینسکی در الجزایر بود. به کمک دکتر محمد توسلی که نسبت نزدیکی با دکتر یزدی دارد، توانستم برای صبح روز بعد از اعلام خبر، با دکتر یزدی قرار مصاحبه بگذارم؛ قبل از چهارراه پارک‌وی، کوچه ترنج و خانه ویلایی که بین برج‌های آن کوچه تک‌وتنها مانده است. خانم مسنی مانتوپوش دعوتم کرد به خانه و نشیمن تا دکتر حاضر شود و بیاید. پنجره رو به باغ و بالکن خانه، آرامش یک صبح بهاری و صدای پرنده‌های اتاقک کنار آشپزخانه، من را در خود غرق کرده بود که دکتر آمد. تنی نحیف و لاغر که شباهت کمی با تصاویر سه دهه قبل داشت. خبر را شنیده بود چون هنوز پیگیر اخبار سیاسی بود. جواب‌هایش کوتاه بود و در پاسخ به سؤالاتم یادآوری می‌کرد که خیلی چیزها از خاطرش رفته و تصویر محوی به یادش مانده، اما تصویر محو فقط مربوط به طرف مقابل بود. از هدف و تفکر خودشان که تیم مذاکره‌کننده ایرانی بودند، تصویر روشنی داشت. او می‌گفت فرد مذاکره‌کننده خیلی مهم است و برژینسکی آدم زیرک و باهوشی بود و با او می‌شد به توافق رسید. یزدی می‌گفت تیم ایرانی رگ خواب آمریکایی‌ها را در دست داشت و می‌توانستند با آنها به توافق برسند، اما بازگشت از الجزایر و ماجرای تسخیر سفارت، ماجرا را به نوعی دیگر رقم زد. وقتی از آن روزها حرف می‌زد، هنوز انقلابی بود. می‌گفت می‌خواستیم انقلاب ایران را به آمریکایی‌ها حالی کنیم و آنها انقلاب را بپذیرند. او می‌گفت آمریکایی‌ها راه دیگری نداشتند، انقلاب در ایران پیروز شده بود و تنها مجبور بودند انقلاب را بپذیرند، اما این نیازمند مذاکره بیشتر بود تا مشکلات موجود بین دو طرف؛ مثل ماجرای اموال ایران و خرید سلاح و... با آمریکا حل شود که اگر این توافق به دست می‌آمد، تاریخ سه دهه جمهوری اسلامی به گونه‌ای دیگر نوشته می‌شد. وقتی از مصاحبه مشترک چندسال پیششان در یک رسانه و تغییرات برژینسکی پرسیدم، جوابش به تغییر انقلاب و انقلابیون منفی بود و می‌گفت او این‌قدر درایت داشت که خود را با شرایط وفق دهد.

گذشت زمان همه را کهن‌سال می‌کند، اما عده کمی هستند که خود را نقد کنند و از گذشت زمان با تعقل و تدابیر جدید رد شوند. روایت دومم مربوط به زمانی است که خبر مرگ ویلیام سالیوان منتشر شد. آبان ۹۲ بود و در آن گفت‌وگو به ماجرای مذاکره با آمریکایی‌ها، قبل و بعد از پیروزی انقلاب پرداختیم که متن این گفت‌وگو در آرشیو صفحه ۱۴ روزنامه ۴ آبان سال ۹۲ در دسترس است ازهمین‌رو به مرور آن نمی‌پردازم.

ادامه در صفحه ۱۹

سخنگوی دولت از بررسی حصر در شورای امنیت ملی خبر داد

نوبخت: ما را میان شیخ و سید قرار ندهید

شرق: اولین جلسه سخنگوی دولت دوازدهم فرصت خوبی شد تا اتفاقات یک ماه گذشته مرور و برخی وقایع بازگو شود. محمدباقر نوبخت در نشست روز گذشته اعلام کرد سمت سخنگویی مجددا به او محول شده است. او همچنین درباره مسئله حصر، اعتصاب غذای مهدی کروبی و خروج نیروهای امنیتی از خانه او، گفت: «وزیر اطلاعات گزارشی داد که این اتفاق افتاده و ان‌شاءالله گام‌های بعدی هم برداشته شود». او این را هم گفت: تشکیل دادگاه در حوزه اختیارات قوه قضائیه است؛ اما من در جلسه شورای عالی امنیت ملی حضور داشتم که مباحث خوب و دقیقی آنجا مطرح شد. جمع‌بندی آن را دبیر شورا گزارش خواهد کرد.این سخنان سخنگوی دولت در حالی بود که روز یکشنبه، دادستان تهران گفته بود: «اگر شرایط فراهم شود، قوه قضائیه آمادگی محاکمه سران فتنه را دارد». عباس جعفری‌دولت‌آبادی گفته بود: «تصمیم نظام در سال ۱۳۸۹ حصر بوده و اینکه برخی حصر را فاقد مبنا می‌دانند، پذیرفته نیست؛ چرا که حصر مبنای قانونی دارد و قوه قضائیه و وزارت اطلاعات مسئول اجرای آن هستند و لذا سایر دستگاه‌ها در کاری که به آنها مربوط نیست، دخالت نکنند و این فضاسازی‌ها نیز مؤثر در مقام نیست». روز گذشته، نوبخت همچنین در جواب خبرنگاری که به نقل از سخنگوی قوه قضائیه گفت خروج نیروها دروغ محض است، چنین گفت: «آقای وزیر اطلاعات از خروج نیروها سخن گفتند. ما را در میان دو روحانی شیخ و سید قرار ندهید». ۲۹ مرداد حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای در صدوشانزدهمین نشست خبری خود، در پاسخ به خبرنگاری که پرسیده بود: «مهدی کروبی دو درخواست داشته: یکی اینکه نیروهای امنیتی از منزلش بروند و دیگر اینکه محاکمه شود؛ درخواست اولش عملی شده، درخواست دوم چه زمانی عملیاتی می‌شود»، گفته بود: «چه کسی گفته است اولی عملی شده است؟ چنین چیزی نیست و دروغ محض است».البته ساعتی بعد از نشست خبری اژه‌ای، اسحاق جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهوری، در حاشیه اولین جلسه دولت دوازدهم، درباره اقدامات دولت در زمینه عملی‌کردن شرط حجت‌الاسلام کروبی برای خارج‌شدن نیروهای امنیتی از منزلش، گفت: «حتما این کار انجام شده است و آنچه قابل گفتن باشد، از سوی مسئولان امنیتی اعلام می‌شود و به اطلاع خانواده ایشان هم می‌رسد». سوم شهریور هم، علیرضا آوایی، وزیر جدید دادگستری، درباره اینکه آیا اراده‌ای در دولت برای پیگیری تقاضای مهدی کروبی برای برگزاری دادگاه علنی وجود دارد؟ به ایسنا گفته بود: «تا این لحظه، نه دولت دراین‌باره چیزی مطرح کرده است که من پیگیری کنم و نه قوه قضائیه. اگر دولت چنین تقاضایی داشته باشد که موضوع را از قوه قضائیه پیگیری کنم، حتما این کار را انجام می‌دهم؛ چون وظیفه من پیگیری همین موضوعات و هماهنگی میان قوه قضائیه و دولت در امور قضائی است».

نگاهی به رابطه جریان «خط امامی» و «ملی مذهبی»

از تخاصم تا تفاهم

ادامه از صفحه اول

این، نه یک ایراد و انتقاد بلکه یک پیروزی برای این نیروها و اندیشه سیاسی آنان است...».

تنش‌های مجلس اول

گفتمان اصلاح‌طلبی که یزدی به آن اشاره کرده، رویکردی است که در سال‌های دهه ۶۰ کم رنگ شده بود و اتفاقا همین نگاه بود که این جریان ملی - مذهبی را مغضوب جریان خط امامی آن روزگار می‌کرد؛ چیزی که بیشترین نمود خود را در مجلس اول نشان داد. مجلس اول شورای اسلامی، تنها انتخاباتی است که اعضای طیف ملی - مذهبی توانست وارد مجلس شود؛ اما نمایندگان آن معمولا با برخوردهای خط امامی‌ها مواجه می‌شدند؛ تا آنجا که علیه آنها در مجلس شعار می‌دادند و حتی یکی، دوبار کار به برخورد فیزیکی در صحن مجلس هم کشید. یکی از معروف‌ترین تصاویر مجلس اول، برخورد فیزیکی «قره‌باغ» از نمایندگان دور اول مجلس، با صباغیان و معین‌فر است. اگرچه معین‌فر معتقد است از سوی هادی غفاری مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته؛ اما غفاری مدام این موضوع را تکذیب کرده و آن را تشابه اسمی با نماینده‌ای به نام غفاری‌قره‌باغ عنوان کرده است. غفاری در روایت آن روز مجلس، پیش‌تر به «شرق» گفته بود: «شب قبل از این اتفاق، آقای رفسنجانی ما را صدا زد و گفت اینها قرار است شلوغ کنند. شما دوستان، آرامشتان را حفظ کنید و دخالت نکنید. ما با آقای هاشمی بیعت کردیم. آقای صباغیان آمد. صحبت کرد. هرچی خواست به جناح ما گفت. ۱۰ دقیقه‌اش، ۲۰ دقیقه شد و ادامه داد. آقای هاشمی چند بار زنگ را زد که آقای صباغیان این کار را نکنید، بگذارید مجلس به‌آرامی اداره شود؛ اما آقای صباغیان تمام نکرد و نیم‌ساعت بعد هم صحبت کرد. بعد از آن، آقای قره‌باغ که ۶۸سالش بود، از عقب مجلس بلند شد و داد زد که آقای هاشمی اگر شما عرضه اداره مجلس را ندارید، ما بلدیم. آمد آقای صباغیان را از پشت تریبون پایین کشید. آقای صباغیان زمانی که می‌خواست از خودش دفاع کند، عمامه آقای قره‌باغ افتاد. نمی‌دانم قصدش از این کار عمدی بود یا نه. وقتی عمامه پایین افتاد، خون حزب‌اللهی خط‌امامی مجلس به جوش آمد؛ بعد، آقای بشارتی بلند شد و درگیری پیش آمد. من به سرسرای مجلس رفتم. در راهروی مجلس، آنجا دیدم که آقای معین‌فر افتاده، شکمش بالا و پایین می‌رود. کاملا یادم است. آقای مهندس سحابی ایستاده بود. بعد گفت آقای غفاری کشتیدش. من به آقای معین‌فر این را گفتم که «آقای معین‌فر این را می‌خواستید».

مجلس سوم و نامه محتشمی‌پور

دیگر مواجهه خط‌امامی‌ها و ملی- مذهبی‌ها، آستانه انتخاب دور سوم مجلس شورای اسلامی است، آنجا که علی‌اکبر محتشمی‌پور از حضور اعضای نهضت آزادی در انتخابات ابراز نگرانی کرده و به امام خمینی نامه می‌نویسد. نامه معروفی که خیلی‌ها آن را حجت ابطال و غیرقانونی‌دانستن فعالیت‌های نهضت آزادی عنوان می‌کنند؛ اگرچه قبل از آن هم مرحوم بازرگان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۶۴ رد صلاحیت شده بود. همین هم مستندی می‌شود برای نامه‌ای که محتشمی‌پور به تاریخ بهمن ۶۶ به امام خمینی می‌نویسد:.. «نهضت آزادی پس از استعفا و برکناری دولت موقت پیوسته در جهت اعلام مخالفت با دولت جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی و حتی قوه قضائیه و مغشوش‌کردن اذهان بوده است... مسئولان نهضت با سم‌پاشی‌های خود نسبت به سیاست‌های دولت، دفاع مقدس و جنگ، مسئله برائت از مشرکین و فاجعه خونین مکه مکرمه، جهاد مالی و تصمیمات شورای‌عالی پشتیبانی جنگ و بالاخره فرمایش‌های اخیر حضرت امام روحی فداه راجع به حکومت و ولایت مطلقه، در جهت مبارزه و تضعیف نظام جمهوری اسلامی گام برداشته‌اند... با توجه به اهمیت و نقش سرنوشت‌ساز مجلس شورای اسلامی، نهضت آزادی در ماه‌های اخیر فعالیت گسترده‌ای را جهت به‌اجرادرآمدن قانون احزاب و آزادی فعالیت سیاسی آنان و نیز حرکت تبلیغاتی گسترده‌ای راجع به انتخابات و راه‌یافتن به مجلس را آغاز کرده است».

پس‌ازدوم‌خرداد

با دوم خرداد، جریان چپ دچار دگردیسی شده و حالا این جریان هم در انتخابات مجلس چهارم ردصلاحیت شده بود و به بسیاری از سیاست‌های اقتصادی و رویکردهای سیاسی دولت سازندگی نقد داشت و طعم محدودیت را می‌چشید. با پیروزی غیرمنتظره محمد خاتمی در دوم خرداد ۷۶ و قدرت‌گرفتن خط‌امامی‌های پوست‌اندازی شده، گمان می‌رفت فعالیت یزدی و همفکرانش از محاق خارج شود؛ اما یک سال بعد از ماجرای عبدالله نوری، کنفرانس برلین پیش آمد و بازداشت تعدادی از ملی-مذهبی‌ها که بین آنها نام ابراهیم یزدی دیده می‌شد؛ اگرچه او در ایران نبود و حکم در تلویزیون اعلام شد؛ اما یزدی به ایران بازنگشت تا آنکه پس از درگذشت مرحوم یدالله سحابی که با پیام تسلیت مقام معظم رهبری فضا تا حدودی آرام شده بود.در این سال‌ها اگرچه همفکران یزدی برای انتخابات‌های مختلف نامزد می‌شدند؛ اما تأیید صلاحیت نمی‌شدند. بااین‌حال فضا به سمتی رفت که آنها برای انتخابات شورای شهر دوم تهران فهرست جداگانه ارائه کردند. طبیعی هم بود؛ چراکه اکثریت آنها گرایش فنی و مهندسی داشتند و دارند؛ هرچند موفق به جلب آرای شهروندان نشدند. اما اوج این نزدیکی، انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ بود. آنجا که در میثاق‌نامه‌ای که بین رضا خاتمی و مهندس سحابی و مصطفی معین و دکتر یزدی امضا شد، آنان حمایت خود را از معین، نامزد حزبی جریان اصلاحات، اعلام کردند. وقتی احمدی‌نژاد روی کار آمد، فعالیت‌های گروه‌های اصلاح‌طلب نیز محدود شد و ملی-مذهبی‌ها هم از این قاعده مستثنا نبودند. آنها در انتخابات هم از نامزد اصلاح‌طلبان حمایت کردند. دهه ۹۰ هم خود را با جریان اعتدال روحانی هماهنگ کردند و از قافله حمایت‌ها عقب نماندند. همه این تغییرات تا رسیدن به همراهی در شرایطی رخ داد که طیف آنان هیچ‌گاه از حالت اپوزیسیون خارج نشد و به گفته دکتر یزدی نگاه اصلاحی خود را به جریان دوم خرداد وام داد. اینکه این گزاره تا چه اندازه صحت دارد، باید دید نظر فعالان اصلاح‌طلب درباره آن چیست».

انا لله وانا الیه راجعون

درگذشت جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی را خدمت همسر محترم، خانواده گرامی، بازماندگان و همفکران ایشان و همه ایرانیان میهن‌دوست تسلیت عرض می‌نمایم. ایشان، همواره در جمع خداپرستان و دین‌باوران آزادی‌خواهی بود که هیچ حادثه تلخ و شیرینی، آنها را از مرام و اعتقادشان باز نداشت. رادمردان عالم و وارسته‌ای همچون آیت‌الله طالقانی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سحابی، دکتر مصطفی چمران، دکتر حسن حبیبی، دکتر علی شریعتی، مهندس عزت‌الله سحابی و دکتر احمد صدرحاج‌سیدجوادی -رحمت‌الله علیهم- که عمر خویش را وقف آگاهی‌بخشی و وجودشان را شمع راه آزادی ساختند. اندیشمندانی دلسوز و تأثیرگذار در دوره‌های مختلف، روشنفکرانی واقع‌بین، دوراندیش و ایران‌دوست، قرآن‌پژوهانی که در پی تفسیری روزآمد و رحمانی از دین بودند و کنشگرانی میانه‌رو که بر اصول خویش پایدار و استوار ماندند. آنان همواره دل در گرو پیشرفت ایران داشتند و خدمت به مردم را عبادت می‌دانستند و بر سر دفاع از آزادی، عدالت و حقوق مردم، هزینه‌های بسیار پرداختند. از پروردگار بخشنده و مهربان، رحمت بی‌پایان و علو درجات برای روح آن انسان فرهیخته و سیاست‌مدار اخلاق‌مدار و شکیبایی، قرار و آرامش برای بازماندگان طلب می‌کنم.

عبدالله نوری

ادامه از صفحه اول

بیم‌ها و امیدها در آموزش‌وپرورش

تجربه تشکیل و فعال‌کردن شوراهای دانش‌آموزی در مدرسه و سپردن برخی اختیارات ازجمله اداره نمادین مدارس از سوی آنان، فعال‌کردن مجامع دانش‌آموزی در سطوح منطقه‌ای و استانی، فعال‌کردن مجلس دانش‌آموزی، کارآمدکردن سازمان دانش‌آموزی، توسعه فعالیت‌های کتاب و کتاب‌خوانی، فعالیت‌های ورزشی به‌ویژه برای دختران، توسعه پژوهشگاه‌های دانش‌آموزی و مراکز فرهنگی و هنری ازجمله اقدامات پرورشی زمینه‌ساز تحرک و پویایی دانش‌آموزان است. باید تلاش شود مدرسه محل دومی برای زندگی دانش‌آموزان تلقی شود.

۳- محتوا و برنامه‌های آموزش‌وپرورش از محورهای محدودکننده یا شتاب‌دهنده تحولات امید و نشاط در آموزش‌وپرورش است. در وصف محتوا باید گفت: «آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری». محتوای کتب درسی و کمک‌درسی، روش‌ها و ابزارهای تدریس، نقش فناوری‌های نوین آموزشی در تولید و نشر و توزیع منابع آموزشی افق فرایند یاددهی- یادگیری را ترسیم می‌کند و چه خوب است محتوا و برنامه‌های آموزشی و پرورشی معطوف به چهار ستون یادگیری، یعنی یادگیری برای دانستن، یادگیری برای عمل‌کردن، یادگیری برای زیستن و یادگیری برای همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران شود و نظام آموزشی ما از یادگیری برای دانستن فراتر می‌رفت.

۴- نظام پذیرش، تربیت و نگهداشت و ارتقای معلم از دغدغه‌های اساسی نظام آموزش‌وپرورش در دهه آینده است که از یک سو خروج بیش از یک‌سوم معلمان از آموزش‌وپرورش در برنامه ششم و از سوی دیگر ناکارآمدبودن الگوی مناسب برای جذب، تربیت معلم و نگهداشت آنان با وجود دانشگاه فرهنگیان، بیم آن می‌رود که با فقدان معلمان حرفه‌ای و تربیت‌شده ، درآموزش‌وپرورش به روی نیروهای ناکارآمد و غیرواجد صلاحیت و حتی غیرمرتبط باز شود و به بهانه‌های غیرکارشناسی از سوی مجلس یا برخی از نهادهای خاص نظام تأمین و تربیت معلم به جای اهتمام به محتوا و کیفیت حرفه معلمی به ظواهری مانند مدرک تحصیلی اکتفا کند و کیفیت تعلیم و تربیت بیش از هر زمان دچار افت تربیتی و تحصیلی شود.

شایسته است در گام اول دانشگاه فرهنگیان به دانشگاه تربیت معلم تغییر هویت یابد و با تمرکز بر مأموریت این دانشگاه و تغییر در ساختار و مدیریت آن از ظرفیت قابل اتکا و ملی آن به کمک اسناد بالادستی برای تأمین و تربیت معلم حرفه‌ای اقدام عاجل به عمل آید.

۵- ارتقای منزلت و معیشت معلمان هرچند تکراری است؛ اما باید همیشه سرلوحه برنامه‌ها و اقدامات باشد و هیچ‌گاه از دستور کار خارج نشود. نظام مدیریت کشور به معلمان بدهکار است جایگاه معلمان نه به لحاظ منزلتی در سطح ملی مورد اهتمام است و نه به لحاظ معیشتی جبران شده و نیازهای طبیعی آنان به دلیل غفلت و نسیان و البته کوتاهی به مطالبات اجتماعی بدل شده است که باید برای اقدام عاجل در برنامه قرار گیرد و با کمک تیمی از کارشناسان داخل و بیرون راهکارهای عینی‌تری پیدا کرد؛ اگرچه نظام رتبه‌بندی می‌تواند به لحاظ سیستمی یکی از راهکارهای مؤثر باشد؛ اما نباید با توجه به محدودیت‌های سیستم اداری و منابع انسانی کشور همه راه‌ها به این امر معطوف شود. حداقل تقویت و توسعه امکانات رفاهی مانند بیمه طلایی، خدمات رفاهی به‌خدمت‌گرفتن صندوق ذخیره فرهنگیان برای معلمان و نجات آن از حیاط‌خلوت مدیران و اقدامات مشابه مورد انتظار و از اقدامات کوتاه‌مدت است.

۶- نظام ارزشیابی و تضمین کیفیت در آموزش‌وپرورش وضعیت آشفته‌ای دارد. در سال‌های گذشته نظام ارزشیابی همیشه دستخوش آزمون و خطا بوده و این امر موجب افت کیفیت و توجه به کمّیت شده است. همچنین همه تلاش آموزش‌وپرورش در این دوره مدیریت، با توجه به کاهش آمار دانش‌آموزان باید استانداردسازی مدارس و شاخص‌ها و نشانگرهای کیفیت و تلاش همه‌جانبه برای بهبود و ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزش‌وپرورش مدارس باشد.

ادامه در صفحه ۴

خبر

سهمیه ۳۰ درصدی زنان در مدیریت‌های دولت دوازدهم

● حسن روحانی، رئیس‌جمهور، شب گذشته در اولین گفت‌وگوی زنده تلویزیونی خود با مردم، مسائلی را در موضوعات سیاست داخلی، فرهنگی و سیاست خارجی مطرح کرد که اهم آن در پی می‌آید:

بعد از انتخابات رایزنی برای کابینه را شروع باید زمینه را برای جوان‌گرایی و استفاده از ظرفیت زنان ایجاد کنیم. حسب قانون مصوب باید در آینده ۳۰ درصد مدیران ما از زنان باشند.

مصوبه ما درباره ۳۰ درصد نسبت حضور بانوان و جوانان است. نسبت به مذاهب مختلف هم در دولت یازدهم هم و دوازدهم بخشی از بخشداران و فرمانداران و معاونان وزرا، اهل سنت بودند. اهل سنت برادران عزیز ما هستند، همه ایرانیان باید از فرصتی که پیش‌روی آنان است، به‌خوبی استفاده کنند.

پایان صد روز گزارشی خدمت مردم می‌دهم.

عملکرد وزرا را هر سه ماه یک‌بار مورد بررسی قرار می‌دهیم و به سازمان برنامه و بودجه دستور دادم نسبت به واگذاری بودجه به دستگاه‌ها هر سه ماه یک‌بار رسیدگی کنند و اگر کار آنها در چارچوب قانون بود، ادامه دهند یا کم کنند.

حذف رقیب امکان‌پذیر نیست. باید اختلافات فکری را به رسمیت بشناسم.

دولت در قبال همه ملت مسئول است، در مقابل ۲۴ میلیون و ۱۶ میلیون مسئول است و چند میلیونی که به هر دلیلی نتواستند شرکت کنند، همه ملت ایران هستند. ما باید برای مطالبات و انتقادات گوش شنوا داشته باشیم و برای این کار قوا باید در کنار هم باشند.

نیروهای مسلح هم بسیار مهم است. رابطه رئیس‌جمهور با ارتش و سپاه مهم است. با فرماندهان سپاه جلسه خوبی داشتیم و تصمیمات خوبی را برای هماهنگی گرفتیم. برای این که در اقتصاد پیشرفت کنیم، براساس اصل ۱۴۷ قانون اساسی باید از امکانات سپاه استفاده کرد.

اخلاق به گروه و قشر و جناح خاصی اختصاص ندارد. فضای سیاسی یک ماه گذشته را بیشتر می‌پسندم. انتقادها سالم‌تر و نرم‌تر و خشونت در فضای رسانه‌ای کمتر دیده می‌شد. حتی در مجلس برای رأی اعتماد به وزرا فضای زیباتری را نسبت به دولت یازدهم مشاهده کردیم.

من قبول ندارم دیانت مردم کم‌رنگ شده است. در ایام انتخابات گفتند در مدارس ما بی‌دینی ترویج می‌شود؛ این درحالی است که معلمان ما بیش از اقشار دیگر تعصب دینی دارند. البته ما معتقدیم انتخاب بهشت و جهنم در اختیار مردم است. هیچ‌کس را به زور نمی‌شود به مسیر هدایت کشاند. ما باید ابلاغ‌کننده باشیم. مبشر و نذیر باشیم اما نمی‌شود دست و پای کسی را بست و شلاق زد که نماز بخواند یا او را در اتاقی حبس کرد و آب و غذا نداد که روزه بگیرد.

بی‌کاری یک معضل بسیار بزرگ است. اولین خواست مردم در انتخابات رفع بی‌کاری بود. از سال ۹۲ تا ۹۵ یک‌میلیون و ۹۵۰ هزار شغل درست کردیم. ۶۳۰ هزار شغل خالص هم به‌طور سالانه ایجاد کردیم. پنج کشور می‌توانند ۶۰۰ هزار به بالا شغل ایجاد کنند که ایران در زمره آنهاست.

شرایط امروز آمریکا الان به نفع ماست. آمریکا برای اجماع‌سازی علیه ایران در دشوارترین شرایط است. در شرایطی که آمریکا ما را تحریم می‌کند، بانک‌های خارجی به ما اعتبار ۱۰ میلیاردی می‌دهد و شرکت خارجی قرارداد پنج میلیاردی می‌بندد. در برابر تخلفات دیگران دست روی دست نخواهیم گذاشت.

درباره عربستان راه‌حل ما گفت‌وگو است، با اینکه اعتماد نداشتیم حجاج را فرستادیم. این سفر حجاج علامت خوبی است برای اینکه ببینیم چگونه می‌توانیم مشکلات را حل کنیم. اگر رفتار آنها در راستای دین و قوانین بین‌الملل باشد، می‌توانیم مشکلات را حل کنیم. مشکل ما با عربستان یکی مداخله در یمن و دیگری کمک به گروه‌های تروریستی است. امیدواریم به این درک رسیده باشند که این روش جواب نمی‌دهد. باید یمن را واگذار کنند و کمک به تروریست‌ها را متوقف کنند تا مشکلات حل شود.

بانک اقتصادنوین
نخستین بانک خصوصی جمهوری اسلامی ایران
EN BANK I.R.IRAN'S FIRST PRIVATE BANK
با هم، برای هم
۰۲۱-۴۸۰۳۱۰۰۰
www.enbank.ir
عید سعید قربان مبارک